

سید عبدالکریم کشمیری

در هشت سالگی شیخ مرتضی طالقانی او را دید و گفت ...



ولادت: 1343ق.

محل ولادت: نجف

وفات: 1419ق.

محل دفن: قم

اساتید: حضرات سید عبدالهادی شیرازی ، سید عبدالاعلی سیزواری و...

استاد عرفان : آقا سید علی قاضی طباطبایی

در هشت سالگی شیخ مرتضی طالقانی او را دید و گفت : در سرت نور است تو به درد بازی نمی خوری! سید عبدالکریم تا 21 سالگی دامان شیخ مرتضی طالقانی را رها نکرد و زمانی که هجده سال بیشتر نداشت با راهنمایی ایشان به شرف حضور در محضر استاد کل آیت الله سید علی قاضی نایل آمد . در آن زمان آیت الله سید علی قاضی 79 سال داشت و اکثر شاگردان ایشان مجتهد مسلم بودند، با وجود این سید عبدالکریم در زمره شاگردان قاضی درآمد و بسیار مورد محبت و توجه آن نادره دوران قرار گرفت . آیت الله کشمیری خود نقل می کند یک بار صحبت از خرما شد و من گفتم من خرما می دوست دارم . بعد رفتم منزل ، پس از مدت کوتاهی دیدم در می زنند ، در را باز کردم دیدم آقای قاضی خرما می خورده و درون جیبش گذاشته و برایم آورده است !

در سال های اقامت در نجف به اعمال و اذکار کثیر، روزه ها و ریاضت های بسیار مشغول بود. قبرستان وادی السلام شب های بسیاری شاهد مناجات و راز و نیازش بود. به گفته فرزندش سید محمود کشمیری او شبانه روز در حال ذکر بود . حتی در حال راه رفتن زبانش به ذکر اهلی مترنم بود. یکی از شاگردانش می گوید یک بار به قلب خود اشاره کرد و فرمود که سرت را بگذار اینجا ! سرم را روی قلب آقا گذاشتم و شنیدم مثل ساعتی که دائم کار می کند ذکر می تکرار می شود ! این عارف شیدا هنگام نماز چنان مجذوب می شد که گویی خدا را می دید . اطرافیان مکرر دیده بودند که چهره اش پس از نماز دگرگون می شود. او به خاک نجف عشق می ورزید و می فرمود: خاک نجف مریبی است .

مخصوصاً راه را برای سلوک انسان باز و روح را گشاده می کند . کعبه من نجف است قبله من نجف است اما در 1359ش. به سبب جو اختناقی که رژیم بعث عراق به وجود آورده بود مجبور شد به ایران هجرت کن . وجود ذی جودش حدود بیست سال در ایران دستگیر مشتاقان و طالبان راه حق بود اما همواره هوای بازگشت به نجف را داشت می فرمود : آرزو دارم روزی برگردم نجف با ریشم آن حرم را جارو کنم !

کتاب شیدا از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس به شرح سیر عرفانی این عارف شیدا پرداخته است .